



پیروزی او آلیخادینو

نوشته آگوستو داسیلوا تلس

برزیل

مناطق بهنگامی برپا شدند که اشغال مناطق شمال غرب به توسط هلندیها (۱۶۳۰ - ۱۶۵۳) پایان گرفته بود. هر چند که در نیمه دوم همین قرن طوماری‌های سرستون، سرمناره‌ها و دیگر ویژگیهای تزئینی، در برخی موارد بزرگ، سرافرازان و ظریف، کم کم بر فراز ورودیهای سرپوشیده، ستوریه‌ها و برجهای ناقوس، پدیدار گشت. اینها نخستین نشانه‌های ورود سبک باروک بودند. نمونه‌هایی را در صومعه‌های فرانسیسیانی در اولینداو ایخاراسو (ایالت پرنامبوکو)، و در کلیسای کالج یسوعی، اکنون کلیسای جامع، در سالوادور (ایالت باهیا) می‌توان دید.

اما با اهمیت‌ترین شکل باروک برزیل هنر طلاکاری بود، پیکره‌های تزئینی چوبی چندرنگ و زرانود شده که روی محراب نمازخانه‌ها و کلیساها به کار می‌رفت و به سوی دیوارها و سقف محرابهای اصلی و به سوی بازوهای عرضی، و در بسیاری موارد تا شبستان و نمازخانه‌های جانبی کلیسا نیز گسترش می‌یافت. کنده‌کارهای تزئینی زرانود و چندرنگ بدین گونه بیشتر فضای داخلی کلیساها را می‌پوشاند؛ سطح‌ها سرشار از تزئین و تحرک و پر آب و رنگ بودند.

نخستین کنده‌کاری مشخص باروک وار برزیل تاریخی متعلق به اواخر قرن هفدهم دارد. ستونهای

معماری و هنرهای دیگری که در سده‌های شانزدهم و هفدهم در برزیل رواج داشت یا از اروپا به آنجا وارد شده بود، همگی صرفاً انتقال یافته آن چیزی بود که در پرتغال آن زمان معمول بود. بناهای نخستین همچون کلیسای محلی اولیندا، در ایالت پرنامبوکو، که بعدها به کلیسای جامع تبدیل شد، کلیسای یسوعی گریس در همان شهر، و بسیاری از اماکن مذهبی، نمازخانه‌ها، کلیساها، مدارس، صومعه‌ها و دیرهای ساخته شده به توسط یسوعیان، فرانسیسیان، بندیکتین و کرملیان در طول ساحل، همه در تزئین نماها و دیگر عناصر معماری، دارای وقار و سادگی سبک بیافتهٔ هسانی هستند.

این ویژگیها هنوز هم در معماری قرن هفدهم و در بناهایی یافت می‌شد که به منزلهٔ بخشی از بازسازی این

تصویر بالا، نمای کلیسای کرملی در منطقه پلورینو در سالوادور (ایالت باهیا)، یک مرکز عمده از هنردوران استعماری برزیل (که اکنون جزو فهرست میراث جهانی یونسکو است). تصویر سمت راست، نقاشی روی سقف چوبی کلیسای نوساسینورا دوروزاریو، پرسپولیس، ایالت گوئیاس.

Photos Samuel Costa © Explorer, Paris



اوروپره تو، شهری قدیمی در ایالت برزیلی میناس گراس (که اکنون جزو فهرست میراث جهانی یونسکو است) گنجینه‌ای دیدنی از هنر باروک برزیل است. از جمله یادمانهای فراوان باروک این شهر، کلیسای سان فرانسیس آسیسی است، اثری از پیکره‌ساز، معمار و طراح دورگه به نام آنتونیو فرانسیسکو لیسبوا، مشهور به اولیخادینو (۱۷۳۰-۱۸۱۴) که در اوروپره تو به دنیا آمده بود. تصویر سمت چپ، بخشی از شبستان کلیسا. تصویر صفحه مقابل، بلکان، ایوان و نمای جایگاه مقدس بوم جسوس دو ماتوزینوس در کونگوناتس دو کامپو، میناس گراس، شاهکار آلیخادینو. او برای این جایگاه مقدس که بین سالهای ۱۷۹۶ و ۱۷۹۹ بنا شد، مجموعه‌ای از پیکره‌های جویبی چند رنگ آفرید که نمایانگر شام و آپسین و جایگاههای صلیب (همچنین به سر یک دزد در صفحه رنگی ۲۳ نگاه کنید) و مجسمه‌های از سنگ صابون دوازده تن از پیامبران «عهد عتیق» که بلکان این بنا را زیست می‌دهند.

Photos © Pedro Lobo, Arch. SPAAN, Rio de Janeiro

قوسهای متحدالمرکز به شکل ماریچ یا «سلیمانی» احداث می‌شد و پوشیده از برگهای تاک، بلیکانها یا چهره‌های فرشتگان بود، درحالی‌که دیوارها و بامها با کنده‌کاریهایی تقاطع می‌یافت که پانل‌های نقاشی شده یا نیم برجسته را در چارچوب می‌گرفت. نمونه‌های با اهمیت را در کنده‌کاریهای صومعه ساتوینتو (ریودوژانیرو)، در نمازخانه اصلی جانبی کلیسای جامع (سالوادور)، و در نمازخانه زرانود سومین فرقه سن فرانسیس در رسیف (پرنامبوکو) می‌توان دید.

با این همه بعدها، دردهه ۱۷۳۰، محجر محرابها و دیگر کنده‌کاریهای تزئینی در کلیساها، دستخوش یک دگرگونی مشخص شد. هدف این بود که با شکستن خطوط و سطحها، احساسی از حرکت به وجود آید. آسمانه‌ها، پیکره‌های پر حجم کنده‌کاری شده و ستون‌های چارگوش سر طوماری، از آن نوعی که در کلیسای ساتو فرانسیسکو داپنتن چیا، در ریودوژانیرو، می‌توان دید، پدیدار شد.

از آن پس همه جا، همچون در پرتغال، شکل‌های نوینی به توسط مکتب بورمینیان (برگرفته از نام سورومینی، معمار ایتالیایی) به وجود آمد و کم‌کم بر نقشه و حجم‌بندیها تأثیر نهاد. دیوارها از طریق بهره‌گیری از نقشه‌های چندبر، بیضی یا نقشه‌های تشکیل شده از بیضی‌های دراز متداخل، دارای احساسی از تحرک شد، درحالی‌که یک رانش پر قدرت عمودی چهره مسلط نماها بود.

از جمله کلیساهای ساخته شده به این سبک عبارتند از کلیسای گلوریادوآتزیو (ریودوژانیرو) که بر تپه‌ای در کنار خلیج قرار دارد و نقشه‌اش مبتنی بر دو هشت گوشه دراز و پهلوی هم است، کلیسای ساتوپدرو دوس کلریخوس در رسیف که نمای بلند آن یک نمونه استثنایی پرقدرت از تحرک باروکوار است، و کلیسای کونسیچاژوداپرایا در سالوادور.

کلیسای دیگر به این سبک، کلیسای محلی «بانوی اهل بیلار»، در اوروپره تو (ایالت میناس گراس) است که از این رو بی‌همتاست که شبستان چندبر آن ساختار قائم به خودی از چوب کنده‌کاری شده زرانودود جای گرفته در عمارتی است که نقشه آن مستطیلی است.

کلیسای سومین فرقه سان فرانسیس در سالوادور که



تاریخی متعلق به نخستین نیمه قرن هیجدهم دارد. نمونه با اهمیتی از هنر باروک است. این کلیسا با نمای تماماً پوشیده از ماسه سنگهای کنده کاری شده اش، به شیوه کلیساهای اسپانیایی امریکایی، در معماری برزیل بی همتاست.

در نیمه دوم قرن هیجدهم، معماری و پیکره سازی چوبین تزئینی کم کم تحت تأثیر سبک روکوکو قرار گرفت. روکوکو در باهیا و ریودوژانیرو، به ویژه به صورت پیکره های چوبین بسیار تزئینی پدیدار شد، مثل پیکره های داخل شبستان کلیسای سومین فرقه کرملی در کاجویرا و انبار دیس کرملی در سالوادور، و در ریودوژانیرو، پیکره های داخل نمازخانه های سانتیسیمو ساکرامنتو، و در زیارتگاه های صومعه بندیکتی و در نمازخانه پیوسته به کلیسای سومین فرقه کرملی. این نمازخانه به توسط میستر والتیم (والنتیم دافونسکا اسیلوا)، معمار، کنده کار روی چوب و پیکره ساز با اهمیت آن زمان ریودوژانیرو، بنا گردید.

در شمال شرق، در حوالی سیف و اولیندا، تأثیر سبکهای روکوکو و باروک ایجاد تحرکی در ساختار نماها کرد. کلیسای صومعه سانتو بنیتو، در اولیندا، و بازیلیکای کرملی در سیف، نمونه های مهمی از معماری این دوره در شمال شرق برزیل است.

اما در ایالت میناس گراس بود که جنبش باروک و روکوکو در برزیل، جامع ترین تأثیر خود را بر معماری نهاد، به ویژه در کارهای پیکره ساز و معمار بزرگی چون آنتونیو فرانسیسکو لیسبوا (۱۷۳۰ - ۱۸۱۴)، معروف به اوآلیخادینو (کوچولوی لنگ) - در نماهای کلیساها، نقشه ها، حجم بندیها، پیکره های چوبین و در استفاده از فضا. در میناس گراس به لحاظ وضعیت جغرافیایی و به این دلیل که دیرها و صومعه های فرقه های منسجمی در این منطقه وجود نداشت، معمارانی که کلیساهای محلی و کلیساهایی برای انجمن های برادری و فرقه های سوم بنا می کردند، مستقیماً تحت تأثیر معماری پرتغالی قرار نداشتند و از این می توانستند در معماری و پیکره سازی و زینت کاری شکل های را به وجود آورند که تاحدی اصیل بودند.

از جمله آثار به ویژه مهم این دوره عبارتند از آگوستو داسیلوا اتلس، معمار و تاریخنگار برزیلی، استاد دانشکده معماری و نقشه کشی شهری در دانشگاه فدرال، ریودوژانیرو، و مشاور فنی وزارت حفظ میراث تاریخی و هنر ملی برزیل است. او معاون شورای بین المللی یادمانها و اماکن تاریخی (ICOMOS) و مشاور مرکز بین المللی بررسی درباره نگهداری و بازسازی گنجینه فرهنگی، رم (ICCROM) است. از آثار منتشر شده او عبارتند تک اطلس یادمانهای تاریخی و هنری برزیل، مقالات بسیاری در گاهنامه های برزیل و پرتغال.